

تهران؛ زیر آوار توسعه نامتوازن و فقر

# شهری که شهروندان خود را فراموش کرده است



پیام عابدی

این روزها که کرونا چهره تهران را در هم کشیده، مردمان فقیر و بعضا سالخورده‌ای را می‌بینیم که بی یک لقمه نان، شهر را بالا و پایین می‌کنند؛ اما چیز چندانی عایدشان نمی‌شود. شهر آنها را تنها گذاشته است. تا پیش از فشرده شدن شهر زیر بر نامه‌های فاصله‌گذاری، با دست‌فروشی، تکدی‌گری و جمع‌آوری زباله، پولی برای خرید مایحتاج روزانه خود دست و پا می‌کردند. در اساس، مهاجرت به شهرهای بزرگ برای دسترسی به همین اندک امکانات درآمدی صورت می‌گیرد. کرنا شاید فرصتی باشد برای نگاه عمیق‌تر به شهر و بازسازی جایگاه آن.

پیام عابدی این روزها که کرونا چهره تهران را در هم کشیده، مردمان فقیر و بعضا سالخورده‌ای را می‌بینیم که بی یک لقمه نان، شهر را بالا و پایین می‌کنند؛ اما چیز چندانی عایدشان نمی‌شود. شهر آنها را تنها گذاشته است. تا پیش از فشرده شدن شهر زیر بر نامه‌های فاصله‌گذاری، با دست‌فروشی، تکدی‌گری و جمع‌آوری زباله، پولی برای خرید مایحتاج روزانه خود دست و پا می‌کردند. در اساس، مهاجرت به شهرهای بزرگ برای دسترسی به همین اندک امکانات درآمدی صورت می‌گیرد. کرنا شاید فرصتی باشد برای نگاه عمیق‌تر به شهر و بازسازی جایگاه آن.

باین هدف، باید به تصاویری که این روزها از فقرای شهری منتشر می‌شود توجه کنیم. برای نمونه کارگران ساختمانی به گزارشگران می‌گویند: «بیکار هستیم و پول نداریم». البته این بیکاری و این شکل خالی شدن شهر از مناسبات اقتصادی تنه‌مربوط به ایران و تهران نیست و سایر جهان هم کم‌وبیش دچار ضعف‌های ساختاری هستند؛ ضعف‌هایی که ارتباط شهروندان را با شهر کم یا قطع می‌کند. اینکه شهرها تا چه اندازه توانایی توجه به معیشت ساکنان خود از قبیل کارگران روزمزد، دست‌فروشان و... را به‌ویژه در شرایط بحرانی دارند، تا اندازه زیادی به فضاها و اقتصادشان بستگی دارد. این گفته به معنای آن است که مدیریت شهر امکانی را برای زدن ماندن شهر، حتی در مواقع بحران فراهم کند و در همین حال متخصصان برنامه‌ریزی شهری، شهرها را به گونه‌ای تجهیز کنند که اقتصادش با توان‌های مقطعی دچار برهم‌ریختگی نشود.

از همین نقطه است که اقتصادی مبتنی بر عدالت‌شکل می‌گیرد و افرادی که کار ثابت ندارند و روزمزد هستند هم

خبر

کارگران مقاطعه‌کار با لایشگاه آبادان:

## خواستار برخورداری از قرارداد دائمی هستیم

شماری از کارگران مقاطعه‌کاری با لایشگاه آبادان خواستار مشخص شدن وضعیت شغلی خود شدند. آنها خواستار آن هستند که مانند برخی همکاران خود در با لایشگاه، از قرارداد دائمی برخوردار شوند.

به گزارش ایلنا، شماری از کارگران مقاطعه‌کاری با لایشگاه آبادان با تجمع مقابل ساختمان مرکزی لایشگاه خواستار برخورداری از قرارداد دائمی کار شدند. این کارگران که خواستار مشخص شدن وضعیت شغلی خود هستند، در توضیح مطالبات خود گفتند: حدود ۱۰۰ نفر از کارگران واحد تعمیرات و فنی فاز سه با لایشگاه آبادان را کارگران قرارداد مقاطعه‌کاری تشکیل می‌دهند. این کارگران به صورت مقطعی جذب و سپس بیکار می‌شوند. همین دلیل وضعیت شغلی مشخصی ندارند.

یکی از کارگران واحد تعمیرات لایشگاه آبادان با اشاره به اینکه اعتراض کارگران مقاطعه‌کاری برای مشخص شدن وضعیت شغلی آنها برپا شده است، افزود: کارگران قرارداد

مقاطعه‌کاری به دنبال تبدیل وضعیت استخدامی خود هستند. به گفته‌ی وی، حقوقی که یک کارگر قرارداد مقاطعه‌کار دریافت می‌کند کفاف زندگی‌اش را نمی‌دهد. با وجود تشابه نزدیکی که میان حرفه کارگران قرارداد مقاطعه‌کاری با برخی نیروهای قرارداد مستقیم و حتی دائمی در با لایشگاه وجود دارد، متأسفانه دستمزدهایی که به کارگران مقاطعه‌کاری پرداخت می‌شود به ازای کار کرد است و به هیچ وجه دریافتی آنها قابل مقایسه با سایر کارگران پیمانکاری قرارداد دائمی (که حقوق و بیمه آنها به صورت ماه ۳۰ روزه محاسبه می‌شود) نیست.

وی گفت: یک کارگر مقاطعه‌کار در هر مقطعی از کار ممکن است ۱۰ یا ۲۰ روز کار کند بنابراین کارفرمای شرکت پیمانکاری بر اساس همان میزان کار کرد حقوق و بیمه کارگر را پرداخت می‌کند و این روش سال‌هاست به همین منوال ادامه داشته است.

این کارگر پیمانکاری فاز سه با لایشگاه آبادان با بیان اینکه

منطقه ۲۲ از مشتری خالی هستند. البته افت ۶۰ تا ۷۰ درصدی قدرت خرید اقشار حقوق و مزدبگیر در سال ۹۸ هم بی‌تاثیر نبوده است. در کل فضایی که می‌توانست اشتغال را رونق دهد و عده زیادی را از فقر خارج کند، چنین مصدوره شده است. کرنا فریبندگی این فضاها و خالی بودن بنیان آنها؛ توجه به نیازهای انسان شهری را پیش چشم می‌گذارد، بدون اینکه به ما توصیه کند که به معرفت لازم برای تحلیل توزیع نابرابری زیر پوست شهر دست بیاوریم.

### فضاهای شهری در خدمت گردش رانت

«کمال اطهری»، پژوهشگر توسعه شهری و استاد دانشگاه، که سال‌هاست از توسعه نامتوازن و ضد عدالت و اشتغال شهر تهران انتقاد می‌کند و طرح جامع شهر تهران را بدیل نظام حاضر می‌بیند، معتقد است که تراکم‌فروشی و شهری شدن رانت، نقطه مقابل عدالت و کورکننده هر گونه مجالی برای تغییر شرایط است. وی در شرح نظرش می‌گوید: «تراکم‌فروشی نفس شهرهایی مانند تهران را گرفته است. تراکم‌فروشی در گذشته به یک سنت تبدیل شده؛ سنتی که مرگ شهر را رقم می‌زند. تراکم‌فروشی یعنی رانت و جامعه را به بازار سپردن. متأسفانه برخی روشنفکران راست‌گرا از تراکم‌فروشی دفاع می‌کنند و این گونه شهر را به دست بازار آزاد می‌سپارند. این در حالی است که عده دیگری زیر تابلوی مبلغان بازار آزاد، نفس شهر را می‌مکند».

وی با بیان اینکه به این ترتیب، شهری شدن رانت را سامان دادند، گفت: «تهران بر مبنای طرح جامع می‌توانست به مرکز اقتصاد دانش در کشور تبدیل شود. بنیان اقتصاد دانش، انسان تحصیل کرده و متخصص هستند که به جای زور بازو، دانش خود را عرضه می‌کنند و در عصر حاضر، طبقه‌ای جدید از کارگران شکل گرفته‌اند که با دانش خود تولید را ارتقا می‌دهند. آنها محصول و کالایی تولید می‌کنند که دانش بنیان نام گرفته است. این گونه صادرات رونق می‌گیرد و شهرها متولی اقتصاد دانش می‌شوند».

اطهری افزود: «شهرهای ما دانش بنیان نیستند، در نتیجه اقتصاد دانش بنیان ندارند و تولیدشان هم مالکانه است. سرمایه‌داران معروف که در ردیف اربدهکاران بانکی قرار دارند، آنها را ساخته‌اند. همین‌ها با همکاری بانک‌هایی که بعضاً به خودشان هم تعلق دارند، منطقه ۲۲ را به نگاه معاملات ملکی تبدیل کرده‌اند؛ بنگاه‌هایی که تنها یک قدم با مجتمع‌های مسکونی چند ده طبقه فاصله دارند. تخمین زده می‌شود که حدود ۳۰۰ هزار مسکن خالی در این نقطه از شهر قرار دارد که مالکان قصد فروش یا اجاره آنها را ندارند. ۶۲۰۰ هکتار زمین‌های تهران در این منطقه واقع است؛ زمین‌هایی که می‌توانست به مرکز توسعه اشتغال تبدیل شود اما از همه چیز پر است بجز اشتغال. امروز که کرنا اقتصاد شهر را زیر تاخت و تاز خود قرار داده، مال‌های

مبتنی بر دانش وار داتی است. کارخانه‌ها مونتاز کار هستند یعنی دانش دیگران را کپی‌و در حجم بالاتر می‌کنند. شهر مولد شهری است که اقتصاد دانش را با جمعیت خود به اشتراک گذاشته و از آنها انتظار تولید دانش و گره‌زدن تولید با دانش را دارد. طرح جامع شهر تهران در پی پاسخگویی به این نیاز کشور بود اما به خاطر عمل نکردن به این برنامه جامع و چندبعدی این شهر از دهه ۸۰ به تدریج به ابزار برای شهری شدن رانت تبدیل شد و فضاهای آن در خدمت گردش رانت قرار گرفتند. رانت مثل زنگ جامعه و اقتصاد را می‌خورد. این در حالی است که باید به شکل‌های دموکراتیک‌تری قدرت سرمایه را مهار کرد».

این استاد دانشگاه با بیان اینکه طرح جامع شهر تهران چراغ راهنمایی است که می‌توانست مدیریت شهری را از به سمت تولید دانش و توسعه عادلانه شهر حرکت دهد، گفت: «در این میان عده‌ای بدون توجه به فلسفه عدالت و بنیان‌های توسعه شهری، صرفاً از ضرورت جد کردن تهران از سرمایه‌داری سخن می‌گویند در حالی که عملی‌ترین راه توزیع عدالت، نه برداشتن تیر برای قطع کردن گردن سرمایه‌داری که عمل به برنامه‌های شهری موجود است که متخصصان آن را نوشته‌اند. عده‌ای می‌گویند باید ریشه نولیبرالیسم را از شهر تهران کند تا عدالت محقق شود، در حالی که آنچه بر تهران حاکم است نه نولیبرالیسم که ملغمه‌ای از تفکرات ناقص است. این تفکرات بی‌اساس در خدمت بورژوازی غارتگر و رانتی قرار گرفته‌اند. به جای تیغ کشیدن روی چیزی که وجود ندارد باید به متخصصان شهری تکیه کرد و برای ترمیم زخم‌های شهری به آنها فرصت داد».

این پژوهشگر اقتصاد شهری افزود: «یکی از ایراداتی که امروز تهران را به نابسامانی کشانده، به وزارت علوم برمی‌گردد. دانشگاه‌ها سال‌هاست که بدون اینکه دروس اقتصاد شهری را به دانشجویان شهرسازی آموزش دهند، به آنها لیسانس شهرسازی می‌دهند. در چنین فضایی مدیریت شهری اقتصاد نخوانده نمی‌تواند شهر را به سلاح برنامه‌ریزی تمام‌عیار مجهز کند. البته به نظر من این امر اتفاقی نیست و برنامه‌ریزی شده است. دانشجویانی



این کارگر گفت: همه ما کارگرانی که در چنین شرایط شغلی در پالایشگاه کار می‌کنیم با وجود داشتن سختی کار از مزایای قانون مشاغل سخت و زیان‌آور برخوردار نیستیم. متأسفانه اکثر کارگران پیمانکاری که با شرایط شغلی ما کار می‌کنند با وجود داشتن سابقه طولانی کار حتی با ۳۰ سال خدمت به سن بازنشستگی نمی‌رسند اما حقوق مان بر اساس حداقل‌های مصوبه شورای عالی کار پرداخت می‌شود.

بارها مسائل شغلی خود را با مسئولان اداره کار و مدیران پالایشگاه آبادان مطرح کرده اما جوابی دریافت نکرده است، افزود: لایه‌های کردن نیروی کار و تفاوت در مزد در بخش‌های مختلف پالایشگاه آبادان که کارگران آن زیر نظر حدود ۹۰ شرکت پیمانکاری مشغول کارند، به چشم می‌خورد. یکی از مهم‌ترین این بخش‌ها، بخش تعمیرات است که کارگران به صورت مقاطعه‌کاری در فاز سه با لایشگاه آبادان مشغول کار هستند. در این بخش کارگران از شرایط شغلی خود رضایت ندارند.

وی اظهار کرد: مشکلات در سایر بخش‌های پالایشگاه هم زیاد مشاهده می‌شود. به عنوان نمونه همکاران مادر بخش واحد مخازن پالایشگاه آبادان نیز مشکلاتی نظیر ما کارگران تعمیرات دارند. با این تفاوت که ما قرا داد مقاطعه‌کاری هستیم و آنها مدت موقت، به همین دلیل آنها نیز به ازای هر روز کار حقوق دریافت می‌کنند و حق بیمه آنها مانند ما با احتساب روزهای اشتغال به تامین اجتماعی واریز می‌شود.

**در عصر حاضر، طبقه‌ای جدید از کارگران شکل گرفته‌اند که با دانش خود تولید را از تقامی دهند. آنها محصول و کالایی تولید می‌کنند که دانش بنیان نام گرفته است. این گونه صادرات رونق می‌گیرد و شهرها متولی اقتصاد دانش می‌شوند**

که حداقلی از اقتصاد شهری را بداند می‌تواند شهر را ساماندهی کند و آن را در خدمت طبقات مختلف جامعه درآورد. اقتصادی که مبتنی بر دانش باشد را نمی‌توان بدون متخصصان شهری مستقر کرد. متأسفانه مدیران سیاسی و مدیران غیرمتخصص شهری، با اقتصاد دانش سرسبز ندارند. در نتیجه منطقه ۲۲ تهران که باید منطقه نوآوری اعلام می‌شد در خدمت سرمایه‌داری رانتی قرار گرفته است».

اطهری تصریح کرد: «واقعیت این است که مجالی برای مماشات وجود ندارد. انتقاد من از روشنفکران رسمی در قدرت این است که خودبینی‌شان اجازه نداد که حرف‌های متخصصان را بشنوند و هنوز هم یاد نگرفته‌اند که خودبینی جناح‌ها هم اجازه نداد که حرف متخصصان را بشنوند. اگر حداقل یک جناح خودش را به علم و دانش متخصصان بیرون از سیستم مجهز کرده بود می‌توانست جامعه را جلو ببرد. خودبینی و خوددانا پنداری اینها به فقرای شهری ضربه زد و شهرها را عرصه تپه شدن از دانش و تزاید فقر کرد. به یاد دارم که اواسط دهه ۸۰ همراه با جمعی از پژوهشگران شهری با وزیر مسکن وقت دیدار کردم. آقای وزیر به یکی از متخصصان شهری رو کرد و گفت که بهتر است که از خارج متخصص وارد کنیم و در جواب شنید که بهتر است که از خارج وزیر وارد کنیم».

### توسعه بی‌بندوبار شهرها

مشخصه اصلی توسعه بی‌بندوبار، رشد عمودی شهر و رشد افقی مراکز تجاری است. چنین شهری به شدت مستعد تله‌های فضایی فقر است؛ شهری که حتی در برابر هر عامل حاوی تهدید، بی‌دفاع است. چنین شهری به راحتی ساکنان خود را در برابر تهدیدها رها می‌کند. چنین شهری نه مولد است و نه قادر به سازماندهی نیروی کار. چنین شهر، زمین مساعدی برای رشد بذرهای شکاف طبقاتی می‌شود بنابراین ابتدا باید با قطع تراکم‌فروشی به شهر فرصت نفس کشیدن داد و بعد با در نظر گرفتن تهدیدها و فرصت‌های اقتصادی نظم جدیدی را در شهر کلید زد.

